

گزارشی پیرامون افزایش تولید و طرح خرید



برنج در استان مازندران

مقدمه

گزارش زیر حاصل سفر برادران محله جهاد به استان مازندران می باشد که با توجه به نظرات و پیشنهادات برادر فلاح عضو شورای مرکزی جهاد مازندران و برادر هندی تهیه و تنظیم شده است. امید است به خاطر اهمیت خاصی که کشت و تولید برنج در اقتصاد کشور دارد از طرف مسئولین مربوط برای حل مشکلاتی که بر سر راه کشت و توسعه و ... این محصول اساسی قرار داده اقدامات حساب شده و عاجل صورت گیرد. انشاء الله.

برنج عمده ترین محصول سواحل و کناره های دریای خزر است و پس از گندم، دومین غله مصرفی و مورد نیاز مردم کشور ما بشمار می رود، این محصول علاوه بر گیلان و مازندران در بعضی نقاط دیگر ایران مثل فیروزآباد و قصرالدشت فارس به مقدار ناچیزی کشت می شود، استان مازندران با سطح زیرکشتی حدود ۱۷۵ هزار هکتار بعد از استان گیلان مقام دوم را در تولید این محصول اساسی دارد. کشت برنج همچون سایر محصولات کشاورزی نیازمند به شرایط و عوامل خاصی می باشد که در برآیند کشت و داشت این محصول نقش تعیین کننده دارند. زمینهایی که باید زیر کشت برنج برود از ابتدای تخم تا پانزده الی بیست روز مانده به برداشت باید شبیه به باتلاق باشد، یعنی حداقل اینکه یک هکتار زمین زیر کشت برنج نیاز دارد حدود ۱۰ الی ۱۲ هزار مترمکعب می باشد. آبیاری این محصول تا سال ۱۳۴۵ یعنی قبل از اصلاحات کذایی شاهنشاهی به طریق سنتی (یعنی بوسیله چشمه سارها و قنات) آبیاری می

شده است در صورتیکه بعد از سال ۴۵ با ورود موتورپمپهای خارجی رفته، رفته شیوه سنتی آبیاری به فراموشی سپرده شده و قنات و چشمه سارها بر اثر بی توجهی رو به ویرانی رفته است و حدود ۵۰ الی ۶۰ درصد آبیاری در این منطقه بوسیله موتورپمپهای خارجی صورت می گیرد، به همین لحاظ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تحریم اقتصادی ابرجانیتهکاران و اقمصار وابسته شان، کشاورزان برای تهیه لوازم و ... این موتورپمپها با مشکلات عدیده ای مواجه بوده اند حتی در بعضی موارد باعث توقف آبیاری و از بین رفتن شالیزارها نیز شده است. ضمناً حفر چاههای بی رویه جهت موتورپمپها در کنار قنات و چشمه سارها باعث خشکیدن آب آنها شده و به همین دلیل آب تحت الارضی استان مقدار زیادی بائین رفته است و هر سال مقدار زیادی از زمینهای مرغوب استان به خاطر پیشروی آب شور دریا به زمینهای شور که قابل کشت نیست تبدیل می شود. الحمدالله جهاد سازندگی استان مازندران با ایجاد کمیته مشترک در سطح کلیه شهرستانهای استان توانسته است مقدار زیادی از حفر چاههای بی رویه جلوگیری نماید و همچنین در جهت احیای قنات و چشمه سارها و آب بندانها فعالیتهای چشمگیری داشته است و توانسته است حدود ۶۰ الی ۷۰ درصد آب بندانها (استخرهای آب) را لایروبی نماید. تبدیل شالیزارها با هزینه اندکی به باغهای مرکبات از جمله خطرانی است که زمینهای زیر کشت برنج را تهدید می کند. با توجه به میزان درآمد و کاربری برنج درمی بینیم که درآمدی کمتر از مرکبات عاید کشاورز شالیکار می شود، ضمناً بعد از تبدیل شالیزارها به باغهای مرکبات کشاورز می تواند با ایجاد ویلاهایی در

باغها آنها را به قیمت خوبی بفروش برساند. متأسفانه در این زمینه مسئولین به لحاظ نداشتن پشتوانه اجرایی برای جلوگیری از تبدیل زمینهای زیر کشت برنج به باغهای مرکبات و نهایتاً به ویلاهای تفریحی هیچ نقشی جز ارشاد و تذکر نداشتند و قده مؤثری برای جلوگیری از این امر برداشته نشده است. که با توجه به بیش از ۳۰ هزار هکتار از شالیزارهایی

توجه به تبدیل سی هزار هکتار اراضی مرغوب زیر کشت برنج به باغهای مرکبات و ویلاهای تفریحی، زنگ خطری است برای مسئولین امر در پیشگیری از این خطر که زمینهای زیر کشت برنج را تهدید می کند

که بعد از سال ۵۹ به باغهای مرکبات تبدیل شده اند، می توان دریافت در کشت این محصول اساسی افزایش سطح زیر کشت نداشته ایم و بر اثر رشد جمعیت و افزایش مصرف داخلی به خاطر ارتقاء درآمد مجبور به افزایش واردات بوده ایم.

توجه به رشد جمعیت و افزایش مصرف داخلی و تأکیدات حضرت امام پیرامون خودکفایی در زمینه محصولات کشاورزی گویای این واقعیت است که باید برنامه ای اساسی جهت بالا بردن تولیدات داخلی در زمینه های کشاورزی متناسب با رشد جمعیت تنظیم و تدوین گردد. برنج که بعد از گندم مهمترین غذای

توجه به رشد جمعیت و افزایش مصرف داخلی و تاکیدات حضرت امام پیرامون خودکفایی در زمینه محصولات کشاورزی گویای این واقعیت است که باید برنامه ای اساسی جهت بالا بردن تولیدات داخلی در زمینه های کشاورزی متناسب با رشد جمعیت تنظیم و تدوین گردد

اصلی ما محسوب می شود نمی تواند از این امر مستثنی باشد. افزایش محصول برنج را در دو مورد کمی و کیفی می توان پیش بینی و برنامه ریزی کرد.

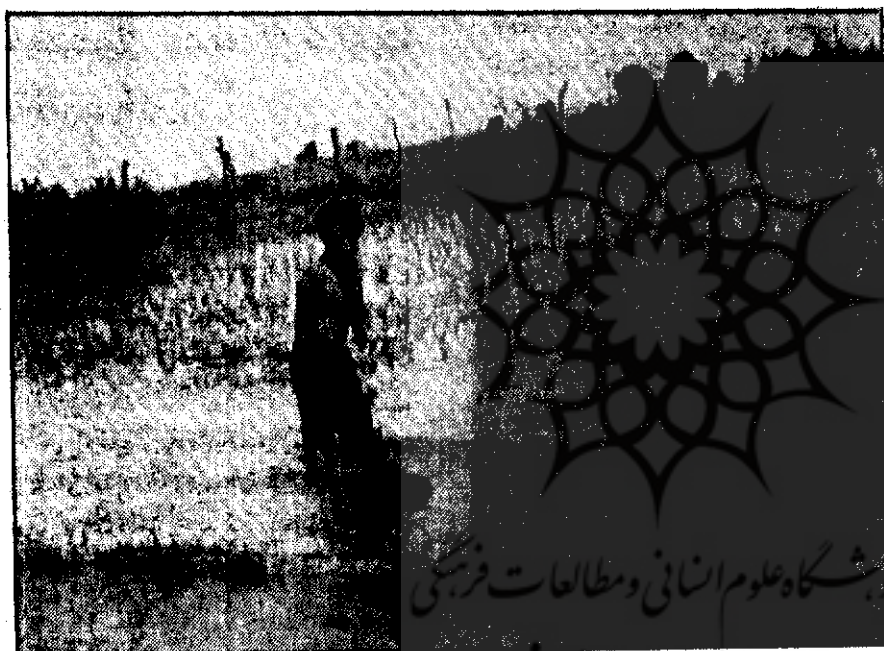
۱- افزایش تولید برنج به صورت کمی: در افزایش کمی اول چیزی که به نظر می رسد ازدیاد سطح زیر کشت می باشد ولی با مختصر آشنایی از وضعیت زمینهای کشاورزی استان مازندران در می یابیم که با برنامه ریزیهای دراز مدت می توان رقمی حدود ۲۵۰ تا ۲۷۰ هزار هکتار بر سطح زیر کشت فعلی برنج اضافه نمود که به سرمایه گذارهای سنگین جهت مساعد نمودن زمین و تأمین آب مورد نیاز، احتیاج دارد. یعنی اگر ما بخواهیم با توجه به هزینه های سنگین در زمینه افزایش سطح زیر کشت این محصول این روش را اتخاذ کنیم، باز این مسئله قابل توجه است که افزایش سطح زیر کشت تا حد معینی امکان پذیر است پس نمی تواند خودکفایی کشور را در زمینه برنج برای بلندمدت تضمین نماید. هر چند این مسئله نباید موجب شود که در این زمینه هیچ برنامه ریزی صورت نگیرد.

۲- افزایش تولید برنج بصورت کیفی امروز در کشورهایی که از نظر کشاورزی پیشرفته هستند این روش (یعنی افزایش تولید

در واحد سطح) رایج می باشد. یعنی ما می توانیم با تغییر واریته های کم محصول به واریته هایی که تناژشان در واحد سطح بالاست به بر میزان تولید بیا افزایشیم، اجرای این طرح نیاز به مطالعات دقیق با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی دارد. تاکنون در سطح استان جهاد و وزارت کشاورزی در جهت ترویج بذرهایی اصلاح شده ۲ و ۳ و ۴ کارهایی انجام داده اند، اما باید بباخاطر داشت که در کنار این به برنجهای بومی که مقاومت بیشتری در مقابله با آفات و امراض دارند نباید بی توجهی شود زیرا از بین رفتن واریته های بومی ضربه جبران ناپذیری به محصول برنج در سطح منطقه خواهد زد.

از نوع برنجهای پر محصول هستند و بطور متوسط ۵ الی ۵/۵ تن در هکتار محصول می دهند. اما مسئله ای که قابل تذکر است، این نوع واریته ها به بیماری شیفت کلاید (که اصل آن از فیلیپین است) حساس می باشند و شیوع این آفت می تواند به تولید این محصول ضربه بزند، بدین جهت باید در ترویج این نوع برنج حساب شده کار شود.

د- برنج شصت اس: همانگونه که از اسم این نوع برنج پیداست حدوداً شصت روز از موقع کاشت تا برداشت این محصول طول می کشد و میزان بازدهی آن در هکتار حدود ۵ تن می باشد و از نوع برنجهای دانه گرد است.



ه- برنج گرده: میزان بازدهی این نوع برنج از واریته های مذکور بیشتر است و حدوداً ۶ الی ۷ تن در واحد سطح محصول می دهد. این نوع برنجهای به آب کمتری نیز نیاز دارند و تنها مسئله، عدم توجه مردم به این نوع برنج است که موجب عدم رغبت شالیکاران به کشت این محصول شده است.

مسئله ای که در اینجا قابل ذکر است عدم رغبت در مصرف برنجهای بومی در میان اقشار مردم می باشد و همین امر موجب شده است که شالیکاران به کشت برنجهای دانه دراز که بازدهی محصولشان در هکتار به مراتب کمتر از برنجهای بومی است و در مقابل آنها و بیماریها در قی برزید

در ذیل جهت آشنایی با انواع واریته هایی که کشت آنها در سطح استان مازندران شایع است با ذکر تناژ در واحد سطح یادآور می شویم تا با میزان افزایشی که با تغییر واریته های کم محصول به پر محصول حاصل می شود به میزان موفقیت افزایش بصورت کیفی در زمینه افزایش محصول واقف گردیم.

الف - برنج طارم: از بهترین واریته های بومی استان مازندران (حتی گیلان) محسوب می شود و بازدهی آن ۱/۷ تا ۲ تن در هکتار می باشد.

ب - برنج مصباح: بازدهی این نوع برنج حدود ۳ تن در هکتار است

ج - برنجهای ۲ و ۳: اخیراً کشت این نوع واریته ها در سطح استان رایج شده که

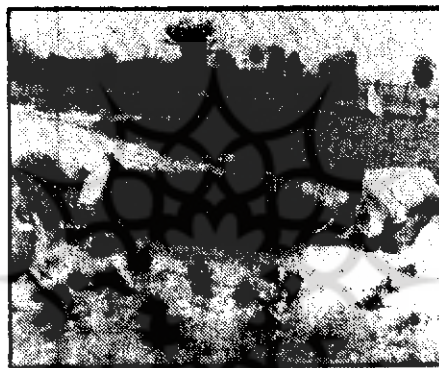
کار مداوم و منظم برادران انتظامی و همچنین برخوردار قاطع قوه قضایی با متخلفین قدرت ترک تازی و توطئه را از تروریسم اقتصادی گرفت و موجب شد که طرح خرید برنج برغم شایعات کاذبی که در بازار وجود داشت و همچنین بارانهای بی موقعی که هنگام برداشت محصول بارید از موقعیت بالایی برخوردار گردد.

نیز چون برنجهای بومی مقاوم نیستند، روی
بیرند. این واقعیت تلخ مارا بر آن می دارد که
در زمینه جایگزینی روحیه اسلامی به جای
روحیه مصرفی و لوکس گرایی با استفاده از
وسایل ارتباط جمعی و تبلیغات، همت خود را بکار
گیریم و این ته مانده های جامعه شاهنشاهی را از
اذقان خود بیرون کنیم و به جای خوردن برنجهایی
به بلندی دویند انگشت کنیم. منتهی اقتصادی
یک بند انگشت اکتفا کنیم، منتهی اقتصادی
مستقل و خودکفا داشته باشیم.

طرح خرید برنج

طرح خرید برنج برای اولین بار توسط استاد
سیح اقتصادی در زمان نخست وزیری
شهید رجایی در مردادماه سال ۶۰ تصویب رسید.
انگیزه اصلی این طرح جلوگیری از احتکار
و سوء استفاده های کلان واسطه ها و تجار از
خدایی خیر بود. زیرا اهمیت برنج این غذای اصلی
مردم مابعدی است که تروریسم اقتصادی با تمام
امکانات خود کوشید که آنرا با کار شکنیهای
زیاد دوباره به انحصار خود در آورد و از همین
رهگزر روند رشد نارضایتی های اجتماعی را
سریع تر نماید. به همین لحاظ طرح خرید برنج به
علت نداشتن پشتوانه قوی و هماهنگی لازم قوای
سه گانه، این طرح در سال ۶۰ موفقیت کامل
نداشت، واقعیت این است که اگر توزیع این

کلای استراتژیک نیز به بخش خصوصی
واگذار می شد اکثریت مردم مسلمان جامعه از
مصرف آن محروم می ماند، زیرا نرخ عرضه آن
همچون سایر مایحتاج «آزاد» از حجم بضاعت
مردم فراتر می رفت و در نتیجه توازن کنونی به
نفع اقشار مرفه جامعه درهم می ریخت. مسائل
فوق ایجاد می کرد که دولت عنان خرید و فروش
این محصول اساسی را با تدابیر و برنامه ریزی
دقیقی در دست گیرد و به غارتگران اجازه مداخله
در این عرصه را ندهد، به همین جهت این بار طرح
خرید برنج با هماهنگی و تصویب قوای سه گانه
به مرحله اجرا در آمد و کار مداوم و منظم برادران
انتظامی و همچنین برخوردار قاطع قوه قضایی با
متخلفین قدر ترک تازی و توطئه را از
تروریسم های اقتصادی گرفت و موجب شد که
طرح خرید برنج برغم شایعات کاذبی که در بازار
وجود داشت و همچنین بارانهای بی موقعی که



هنگام برداشت محصول بارید از موفقیت بالایی
برخوردار گردد و هر روز طبق گزارشهای مراکز
خرید برنج بر مقدار برنجهای خریداری شده
افزوده می گردد. در این میان همکاری و صداقت
شالیکاران مسلمان منطقه در میزان موفقیت طرح
خرید برنج اثر بسزایی داشته است.

در ذیل مواردی با توجه به مشکلاتی که
در این طرح خرید برنج مشهود بوده پیشنهاد می
گردد تا با استفاده از با توجه و عنایت مسئولین ذیربط
طرح خرید برنج در سال آتی با موفقیت و سرعت
بیشتر انجام گیرد.

۱- قیمت گذاری مناسب ارقام اصلاح شده
باید نظر گرفتن میزان خورده برنج موجود در آن
و با توجه به میزان کاربری و هزینه ای که کشت
برنج از موفقت کاشت تا برداشت در بر دارد (هزینه
کشت هر هکتار شالیزار از کاشت تا برداشت حدود
۴۰ هزار تومان می باشد)

۲- در نظر گرفتن امکانات جهت تسریع در امر
خرید و پرداخت پول برنجهای خریداری شده
شالیکاران (باید توجه شود که کشاورز از هنگام
شخم و کاشت برای رفع حوائج خود اقدام به اخذ
وام و... می نماید و معمولاً وعده پرداخت فصل
برداشت است به همین لحاظ خرید و پرداخت
سریع پول از اهمیت خاصی برخوردار است)

۳- تهیه انبار کافی در سطح استان و تخلیه
سریع برنجهای خریداری شده به استانهای
مصرف کننده، (زیرا کمبود انبارها موجب کندی
در خرید برنج از شالیکاران می باشد.)

۴- در اختیار قرار دادن اسباب و تمهیداتی
که کشاورز برنج کار برای مرحله بعد از تولید
احتیاج دارد.

۵- مسئله آخر اینکه برنج کشاورز شالیکار
با قیمت دولتی در اختیار مصرف کننده قرار می
گیرد، یعنی شالیکار تنها محصولش را که حاصل
دسترنج یکساله اوست به قیمت دولتی در اختیار
مصرف کننده قرار می دهد ولی مقداری از
کالاهای مصرفی خود را با نرخ آزاد خرید می کند
و ما نیز اعتقادمان بر این است که این قشر
مستضعف تولید کننده جامعه باید تقویت شود
بنابراین باید دوازده مقداری از پول برنج
خریداری شده او بصورت نهائی کالاهای
مورد نیاز او را همانگونه که در اختیار مصرف
کننده شهری قرار می دهیم، به او نیز بدهیم، البته
دولت در این زمینه امکاناتی را امسال در نظر
گرفته و در آراء ده درصد پول برنج خریداری شده
کالاهای مورد نیاز در اختیار شالیکاران قرار
داده است، امید است انشاء الله از دیاد سطح و
عمق اینگونه حمایتها باعث دلگرمی و تشویق
کشاورزان در همه سطوح و افزایش تولیدات
کشاورزی در جهت خود کفایی را سبب شود.

پیشنهادات و نظرات پیرامون افزایش تولید
برنج

۱- توسعه و ترویج برنجهای بومی جهت
افزایش تولید در واحد سطح که از نظر کیفیت
مواد غذایی در بعضی موارد غنی تر از برنجهایی
است که امروزه رایج شده است، از جمله برنج
گرده که می تواند حتی حدود ۹ تن در واحد سطح
تولید داشته باشد و حدود چند سال پیش برنج

مصرفی خانوارهای ایرانی از همین نوع تأمین می‌شد. از محسّنات دیگر این نوع برنج بومی مقاومت در برابر آفات و امراضی است که برنجهای دانه دراز نسبت به آنها حساسیت دارند و برای مصون ماندن از آن آفات احتیاج به مراقبتهای شدیدی دارند، تنها امتیاز برنجهای دانه دراز در طول دانه های آن می باشد، با توجه به روند افزایش جمعیت و محدودیت زمینهایی که می تواند مورد بهره برداری قرار گیرد، فقط با روی آوردن به کشت برنجهای پر محصول است که می توانیم در این زمینه خود کفا شویم، در غیر اینصورت خود کفایی در این زمینه امری مشکل به نظر می رسد.

۲- ایجاد هماهنگی بین دستگاههای ذیربط جهت پیشرفت و نظم مربوط به امور کشاورزی امری ضروری است زیرا وجود ناهماهنگی موجب کاهش تولید و درآمد کشاورزان شالیکار می باشد. به عنوان مثال یک مورد در این زمینه ذکر می گردد، مبارزه با بیماری بلاد که محدود به زمان خاصی است (یعنی بعد از بیرون آمدن سنبله از غلاف) که مبارزه با این بیماری ۳ الی ۴ روز طول می کشد و اگر این چندروز بگذرد مبارزه با این بیماری غیر ممکن است، در این رابطه می بینیم توزیع سم به عهده جهاد مازندران می باشد ولی حواله سم را وزارت کشاورزی می دهد، یعنی شالیکار روستایی با توجه به ساعات محدود کار در وزارت کشاورزی (بوژه امسال که مصادف با ماه مبارک رمضان بود) باید خود را جهت گرفتن سم در ساعت اداری به وزارت کشاورزی برساند، در صورتیکه برای آسایش کشاورزان می شود حواله و توزیع یکجا صورت گیرد و نیازی به تقسیم ندارد.

۳- برنامه ریزی صحیح جهت تأمین آب برای شالیزارها که از اساسی ترین مسائل مناطق برنج خیز می باشد، با توجه به میزان بارندگی در این استان، اگر نشارت و برنامه ریزی دقیق باشد ما نباید کمبود آب داشته باشیم، در صورتیکه حفرچاههای بی رویه اینچنین ادامه پیدا کند ضربات جبران ناپذیری به منابع آب استان خواهد زد، مسئله دیگر برنامه ریزی صحیح در رابطه با کنترل آبهای هزی می باشد که احداث سد های خاکی و غیره را در این زمینه ضروری می

حفر چاههای بی رویه جهت موتور پمپها در کنار قنوات و چشمه سارها باعث خشکیدن آب آنها شده و به همین دلیل آب تحت الارضی استان مقدار زیادی پائین رفته است و هر سال مقدار زیادی از زمینهای مرغوب استان به خاطر پیشروی آب شور دریا به زمینهای غیر قابل کشت تبدیل می شود.

نمایاند، در صورت محار آبهای هزیکه بدون استفاده به دریا می ریزد می توان آب مورد نیاز محصولات کشاورزی این استان را به خوبی تأمین نمود.

۴- سیاست تثبیت قیمتها یعنی نوعی تضمین نسبت به خرید محصولات کشاورزی به هر میزانی که در سطح کشور کشت شود با این تضمین کشاورزان نسبت به کار خود دلگرم شده و می دانند که اگر به عنوان مثال تمام ایران شالیزار شود حتما دولت جمهوری اسلامی برنج او را با قیمت تعیین شده خریداری خواهد کرد و عرضه زیاد موجب کاهش قیمت محصول دسترنج او نخواهد شد.

۵- بیمه محصولات کشاورزی - اگر ما بخواهیم در زمینه کشاورزی پیشرفت کرده و خودکفا شویم باید به محصولات و زحمات کشاورزان بها داده شود یعنی اینکه کارمند که یک مصرف کننده است نسبت به کارش بیمه می باشد، باید همین سیاست را در زمینه کشاورزی نیز ایجاد نمود و یک کشاورز را در رابطه با محصولش بیمه کرد که اگر خشکسالی پیش آمد یا برائر آفتاب و امراض محصولات کشاورزان از بین رفت، کشاورز زحمتکش ما که از عوامل موثر در اقتصاد و تولید کشور است بلا دفاع نباشد.

۶- دولت در مورد بعضی از اقلام کارلاها که مورد مصرف روستائی کشاورز قرار نمی گیرد تثبیت به مصرف کننده شهری سوبسیسند

می دهد، باید این سوبسیدها از طریق انواع کالاهایی که مورد مصرف کشاورزی قرار می گیرد، در اختیار فشر کشاورز ما نیز قرار گیرد.



۷- چگونه باید به طرف مکانیزاسیون حرکت نمود - این مسئله را نمی توان کنشان کرد که بکار بردن ماشین آلات در توسعه و رشد تولیدات کشاورزی و کاهش هزینه در مراحل کشت و برداشت و همچنین پائین آمدن قیمت های محصولات کشاورزی تأثیر دارد، ولی باید توجه داشت که استفاده از ماشین آلات کشاورزی در زمینه وسیع احتیاج به برنامه ریزیهای دقیق و حساب شده دارد و ما زمانی می توانیم دست به این اقدام بزنیم که نیاز کشاورزی را بتوانیم خودمان تولید کنیم، زیرا تا زمانی که مادر صنایع مربوط به کشاورزی وابسته باشیم، نمی توانیم در زمینه کشاورزی هم ادعای استقلال کنیم، چرا که کشورهای صادر کننده اینگونه ماشین آلات در هر زمان که صلاح بدانند، می توانند ما را از این طریق تهدید کنند. راه اصولیکه در این زمینه به نظر می رسد، اینکه با توجه به رهنمودهای حضرت امام و آیت الله العظمی منتظری، کشاورزی محور است و به تبع آن صنایع کشاورزی در اولویت قرار می گیرد یعنی اینکه مادر وحله اول روی صنایعی که ما را در زمینه کشاورزی به استقلال می رسانند کار و تلاش کنیم و اول قطعات تراکتور، تیبلر و سایر ماشین آلات کشاورزی مورد نیاز در داخل را تولید کنیم و نگاه به طرف مکاتیزه کردن کشاورزی پیش برویم، در غیر اینصورت باید روی دیگر سکه را که وابستگی به کشورهای صادر کننده ماشین آلات کشاورزی است از نظر دور نداریم که این با شعار استقلال در زمینه اقتصادی بالاخص کشاورزی سازگاری ندارد و خواه ناخواه ما را به سوی وابستگی خواهد کشاند.